

کرونا : پاسخ منطقی اما دردناک طبیعت و هستی به افکار و کردار آدمیان

ایا جهان پسا کرونا تغییر خواهد کرد؟

امیر دبیری مهر

www.dabirimehr.ir

ورای همه نگرانی ها درباره سرایت فراگیر و همه جایی ویروس کرونا که زندگی بالغ بر 80 مردم کشور دنیا از جمله ایران را تا این لحظه به حالت تعلیق در آورده این پرسش بنیادین و درونی در همه انسانها شکل گرفته و بی پاسخ مانده است که ماجرا چیست ؟ ایا با این مساله بعنوان یک بیماری عادی می توان روبرو شد؟ ایا دوران اخر الزمان فرارسیده است ؟ ایا در چرخه متوالی ای از بلایا و گرفتاری ها قرار گرفتیم؟ ایا بلایا و تهدید های جدی تری هم مانند برخورد شهاب سنگ با کره زمین پیش رو داریم ؟ حجم قابل توجهی از محتوای تولید شده در فضای مجازی در روزهای اخیر دغدغه های اینچنینی داشته اند اما از انجا که پاسخ روشن و دقیقی برای ان ندارند با شوخی و مطایبه از کنار ان می گذرند. هر چند اهمیت و جدیت مساله در جای خود باقی است و لزوما با پاسخ ندادن ما پرسشها پاک نمی شوند چگونه است که بشر با این همه پیشرفت و ترقی در علم و فناوری و نانو فناوری و ژنتیک و پزشکی توان مواجهه با ویروسی ناشناخته و ناخوانده به نام کووید نوزده را ندارد ویروسی که به سرعت وارد ریه بشر شده و با تکثیر سریع جلو تنفس ادمی را می گیرد و او را خفه می کند . تا این لحظه که این مقاله را می نویسم 100 هزار نفر به این ویروس مبتلا شدند و حدود 3400 نفر هم جان باختند اما مساله اصلی این ابتلا و تلفات نیست مساله اصلی اضطراب و نگرانی میلیاردها انسانی است که هر لحظه خود را در معرض این بلای نابهنگام می بینند. چند شب پیش مدیران

سازمان بهداشت جهانی هم هشدار وحشت اوری دادند و اینکه هیچ تضمینی وجود ندارد که با گرم شدن هوا این ویروس دست از سر بشر بردارد . بدتر از ان اینکه به فرض آن که با گرم شدن هوا این ویروس نابود یا تضعیف شود نیم کره جنوبی زمین وارد فصل سرما شده و این ویروس به انجا کوچ کرده و به حیات ویرانگر خود ادامه می دهد تا مجددا نیم کره ی شمالی که ما هستیم سرد شود و بازگردد و روز از نو روزی از نو.

بهر حال مساله جدی است و می توان از منظر های مختلفی به این بحران بشری نگاه کرد. اما نگارنده در این مطلب قصد دارم از زاویه خاصی به ان نگاه کنم که می تواند موافقان و مخالفانی داشته باشد اما مهم این است که ذره ای انسان را به فکر فرو برده شاید و تنها شاید دنیای پسا کرونا را جهان بهتری برای زندگی سازد.

ماجرا این است که در پشت هستی و طبیعت که ظاهرا آرام و موقر و ساکت و بی تفاوت است هوشیاری عجیبی و چشمان رصد گر و اسکنر های بسیار قوی ای نهفته است . سالیان مدیدی است بشر دچار طغیان و خود خدا انگاری و خود برتر بینی عجیبی در مواجهه و مقابله با هستی شده است .این طغیان عمومی است هم پیروان ادیان مختلف را شامل می شود هم لادری ها و ملحدین را .این باور صد درصد غلط با هزار تاویل و تفسیر از یک سو و هزار فلسفه و تعقل نمایی به یک باور همگانی تبدیل شده است که هدف از خلقت هستی و جهان ما ادمیان بودیم و بس. از این رو حق داریم و حتی وظیفه داری و می توانیم تا جایی که قدرت مان اجازه می دهد هر کاری خواستیم انجام دهیم و به هر امری دست درازی کنیم به عبارت دیگر گلیم تصرف ما در عالم را انتهایی نیست حیوانات را ابزار و وسیله عیش و نوش و تفریح خود کردیم غافل از اینکه حیوانات هم در این هستی مقام خود را دارند نه پایین تر از انسان و نه بالاتر از انسان و آنچه تا کنون

گفته شده بافته های ذهن همین انسان ذی نفع است. عدالت نهفته در هستی برای هر وجودی مقامی و جایگاهی مقرر کرده است و خوی متجاوز و کشتارگر بشر انقدر تکرار شده و استمرار یافته که بعنوان امری بدیهی تلقی شده است. بشر با طبیعت اعم از خاک و دریا و اب و کوه و رودخانه ها و از همه مهمتر هوا چنان بی رحمانه رفتار کرده است که گاهی طبیعت در قالب سیل و طوفان و وارونگی هوا به این توحش انسان به ظاهر متمدن نما واکنش نشان می دهد. از اینها گذشته و از همه مهمتر انسانها نه تنها به حیوانات و گیاهان و طبیعت رحم نکرده و نمی کنند به ابنا خودشان هم رحم نمی کنند. هستی هوشیارانه ناظر بر این همه نابرابری ؛ بی عدالتی ، فقر ، ظلم و جهل نوین است مجموعه ای از زشتی ها و پلیدی ها که روزانه با صدها شبه نظریه و تئوری توجیه می شود رسانه ها در جهان با انواع و اقسام برنامه ها و سرگرمی ها برای انسانها لالایی غفلت می خوانند تا تلخی های پیرامون مان را نفهمیم یا تجاهل کنیم . جهان سرمایه داری با زرق و برق خود توهم خوشبختی را به بهای گزافی به انسانها می فروشد و دین فروشان هم از سر نا امیدی از این دنیا با تزریق تخدیر در بخش وسیعی از انسانها خوشبختی و سعادت را به جهان دیگر حواله می دهند و بنیادگرایان هم که می خواهد بهشت را در همین دنیا بنا کنند بر آتش این جهنم می دمند که داعش نمونه اخیر ان بود. مگر می شود این همه جنگ و جنایت در عالم جاری باشد و تاثیر ان بر زندگی دیگران ادارک نشود . بزرگترین درس کرونا برای بشر این هست که سرنوشت همه انسانها به هم گره خورده است و جهان انسانها جهان موازی نیست بلکه جهان ما تارو پود در هم تنیده ای است هیچ آهی بلند نمی شود مگر اینکه اثری بر جایی باقی می گذارد. نمی توان حصارى حصین برای خودمان بسازیم و رخت و بخت خودمان را از دیگران جدا کنیم .

آری می توانیم به این بیندیشیم که کرونا تنها و تنها یک واکنش هستی و طبیعت به کردار بشر است . البته که در این فتنه عالم گیر خشک و تر با هم می سوزند. با گناه و بی گناه . خوب و بد . صاحبان تقصیر و قصور فرقی نمی کنند . هستی و طبیعت به ما انسانها پیام می دهد که ای انسانهای به ظاهر متمدن از توهم خود بزرگ بینی و خود محور پنداری بیرون بیایید این عالم بزرگتر و حکیمانه تر از آنی خلق شده که شما می پندارید . این کره خاکی در برابر عظمت هستی ذره ای بیش نیست این زمان هم در برابر صدها میلیارد سال عمر هستی ثانیه ای بیش نیست .چه برسد به ما انسانهای زنده در سال 2020 . قواعد حاکم بر هستی هم آنی نیست که شما انسانها وضع و جعل می کنید. تا جایی که با این قوانین همراه و همسو هستید اوضاع بر وفق مراد خواهد بود و اگر با هزاران کلک و تحریف و توجیه در برابر نظم این هستی قد برافراشتید و با پرچم فریبای اشرف مخلوقات و اومانیسیم به رخسار طبیعت و هستی تیغ کشیدید منتظر واکنش های ویرانگر باشید . کرونا یکی از این واکنش هاست اما متاسفانه آخرین آنها نیست . ایا بشر به این بلوغ خواهد رسید که برای دوران پسا کرونا حیات نوینی را آغاز کند و در برابر طبیعت متواضع تر و مهربان تر باشد؟